

# صدای انسانی و تئاتر جیبی

ژان کوکتو

مترجم

شهلا حائری

## فهرست

۷.....	یادداشت مترجم.....
۱۱.....	پیش‌گفتار «صدای انسانی».....
۱۵.....	صدای انسانی.....
۱۷.....	دکور.....
۲۱.....	صدای انسانی.....
۳۹.....	پیش‌گفتار «تئاتر جیبی».....
۴۱.....	تئاتر جیبی.....
۴۳.....	دروغگو.....
۴۹.....	زیبای بی تفاوت.....
۶۳.....	شوخی قصر.....
۶۹.....	گمش کردم.....

## دکور

صحنه‌ای کوچک که با پرده‌های نقاشی شده به رنگ قرمز مشخص شده است. از زاویه‌ای کج، یک اتاق خواب زنانه دیده می‌شود. اتاقی تاریک، آبی‌رنگ، با تختی به هم‌ریخته در سمت چپ و در سمت راست دری نیمه‌باز به روی حمامی سفید و بسیار روشن. روی دیوار وسطی عکس بزرگ شاهکاری یا عکس یکی از افراد خانواده به صورت کج: به هر صورت تصویری ناخوشایند و شوم.

جلو جایگاه سوافلور<sup>۱</sup>، یک صندلی کوتاه و یک میز عسلی با تلفن، کتاب، چراغی با نور تند آزاردهنده.

از پشت پرده، اتاق جنایت را می‌بینیم. جلو تخت، روی زمین، زنی با لباس خواب بلند دراز به دراز افتاده است، انگار به قتل رسیده. سکوت. زن بلند می‌شود، از این پهلو به آن پهلو می‌شود و هم‌چنان بی‌حرکت می‌ماند. سرانجام تصمیمی می‌گیرد، بلند می‌شود، پالتویی را از روی تخت برمی‌دارد، کمی جلو تلفن مکث می‌کند و به طرف در می‌رود. هنگامی که دستش به در می‌رسد، زنگ تلفن بلند می‌شود. پالتویش را می‌اندازد زمین

---

۱. Souffleur، کسی است که در جلو صحنه، پایین‌تر از محل قرار گرفتن تماشاگران، می‌ایستد تا اگر بازیگری متنش را فراموش کرد به او برساند، بدون این‌که حاضرین متوجه شوند - م.

دارد جان می‌کند، زخمی است، خون از رگ‌هایش جاری است، مثل حیوانی که می‌لنگد و نمایش‌نامه باید در اتاقی پر از خون پایان پذیرد.

متن را کاملاً رعایت کنید، زیرا غلط‌های فرانسه، تکرارها، جمله‌بندی‌های ادبی، حرف‌های سطحی، همگی دقیقاً حساب شده است.

می‌دود. پالتو مزاحمش است و با لگد کنارش می‌زند. گوشی را برمی‌دارد. از این لحظه شروع به صحبت می‌کند: ایستاده، از پشت سر، از رویه‌رو، از نیم‌رخ، زانو زده پشت صندلی، با سری افتاده، تکیه داده به پشتی صندلی، از این سوی اتاق به آن سو می‌رود، درحالی‌که سیم تلفن را به دنبال خود می‌کشد، تا لحظه‌ی پایانی که دمر روی تخت می‌افتد. در این وقت سرش از تخت پایین می‌افتد و گوشی تلفن مانند سنگریزه‌ای از دستش رها می‌شود.

هر کدام از این حالات با مونولوگ<sup>۱</sup> - دیالوگ<sup>۲</sup> همراه است (قسمت سگ - دروغ - قسمت مشترکین تلفن). عصبیتش با حرکات تند و شتاب‌زده نشان داده نمی‌شود، بلکه با حالت‌های پی در پی که هر یک باید گویای عمق ناراحتی زن باشد...

لباس خواب، سقف، در، صندلی - مبل، کوسن، آباژور سفید.

برای جای سوفلور نورپردازی باید طوری باشد که از پشت سر زن، وقتی نشسته است، سایه‌ای بلند دیده شود و نور آباژور را مشخص تر کند.

سبک این نمایش‌نامه باید بی‌تکلف باشد و نویسنده به زن بازیگری که بدون نظارت او این نقش را بازی خواهد کرد، توصیه می‌کند که اصلاً ادای زن زخمی و رها شده را درنیاورد، کوچک‌ترین تلخکامی از خود بروز ندهد. شخصیت نمایش‌نامه، یک قربانی معمولی است که از اول تا پایان نمایش‌نامه عاشق است. تنها یک بار حيله‌ای می‌اندیشد: سعی می‌کند به ترفندی مرد را وادار کند تا به دروغش اعتراف کند و این خاطره‌ی حقیر از او برایش باقی نماند. نویسنده می‌خواهد که زن بازیگر این حس را القا کند که

۱. Monologue، تک‌گویی در تئاتر.

۲. Dialogue، گفت‌وگو. در این نمایش‌نامه تک‌گویی نوعی گفت‌وگو است زیرا از ورای آن می‌توانیم حرف‌های طرف مقابل را که نمی‌بینیم حدس بزنیم.